جلسه: 466 | تاریخ تصویب: 25 مرداد 1379 | تاریخ ابلاغ: 16 شهریور 1379 | شماره مصوبه: 1177

سیاست های راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی

مقدمه: شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی براساس آیین ‏نامه مصوب جلسه 424 مورخ 77/05/13 شورایعالی انقلاب فرهنگی، طی جلساتی «اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی» و «سیاستهای راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی» را ذیل شش مولفه استاد، دانشجو، نظام برنامه ‏ریزی فرهنگی، متون و برنامه ‏ریزی درسی، نظام برنامه‏ ریزی آموزشی و پژوهشی و مدیریت تصویب کرده است. (اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی در جلسه 433 مورخ 77/09/17 شورایعالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسیده است) ملاحظه اصلی و عمده شورای اسلامی شدن در تدوین سیاستهای راهبردی آن بوده است که سیاستها به گونه‏ ای طراحی و تنظیم گردند که زمینه‏ های تحقق دانشگاه اسلامی به شرحی که در متن «اصول حاکم بر دانشگاه اسلامی» آمده، فراهم آید. کارآیی و اثر بخشی سیاستهای مذکور، که به اهم مصادیق آنها در بخش "خاتمه" مجموعه حاضر اشاره شده است، علاوه بر آنکه مقتضی طراحی و تدوین سیاستها و برنامه ‏های اجرایی دقیق و واقع ‏بینانه است، مستلزم توجه جدی به مجموعه ‏ای از عوامل محیطی است که به نحو مستقیم و غیرمستقیم و به اشکال گوناگون می‏توانند بر تمامی یا بخشی از عملکرد یا اثر بخشی راهبردها و برنامه ‏هایی‏که در فرآیند اسلامی شدن در حال اجرا هستند اثر گذاشته و آنها را از مسیر و مقصود اصلی منحرف ساخته یا کارآیی و اثربخشی آنها را افزایش دهند. رسانه‏ ها، حوزه ‏های علمیه، فضای عمومی جامعه در تمامی ابعاد آن، مسایل اقتصادی، روابط و مناسبات بین‏ المللی و تأثیر متقابل با مسایل داخلی، هماهنگی راهبردی در سطوح مدیریت کلان نظام در مورد آموزش عالی و اسلامی شدن و آموزش و پرورش (از آن حیث که تربیت کننده ورودیهای دانشگاه‏هاست)، از جمله عواملی هستند که اقتضایات محیطی خود را بر فضای دانشگاه وارد می ‏آورند. به همین جهت لازم است در تمامی مراحل سیاستگذاری و برنامه نویسی به ارتباط قطعی و متقابل دانشگاه‏ها و عوامل مذکور توجه گردد.

‌

سیاستهای راهبردی اسلامی شدن مراکز آموزشی

1ـ استاد

1ـ فراهم آوردن زمینه‌های مساعد قانونی و اجرایی برای جذب و گزینش استادان شایسته از نظر علم، ایمان، تقوا،‌ تعهد و آگاهی و پایبندی به مبانی و آرمانهای نظام جمهوری اسلامی ایران.

2ـ جذب و گزینش استادان و مدرسان دروس معارف اسلامی به منظور گزینش استادان و مدرسانی با تواناییها و‌ شایستگی‌های بالای علمی و معنوی و اخلاقی .

3ـ فراهم کردن زمینه‌های مناسب مادی و معنوی برای شناسایی و تبیین و تکریم مقام استادان در دانشگاه و جامعه‌از دیدگاه اسلام به منظور تشویق و ترغیب آنان و افزایش

نشاط و تحرک علمی و اجتماعی.

4ـ برنامه ریزی به منظور توأم ساختن فعالیتهای آموزشی و پژوهشی اعضای هیأت علمی با نقش تربیتی و اخلاقی‌آنان در مراکز آموزشی و سطح جامعه .

5ـ ارتقای سطح دانش و معرفت دینی، سیاسی و اجتماعی استادان متناسب با رشته تخصصی، علائق و تجارب‌آنان .

6ـ قانونمند کردن فعالیتهای سیاسی و فرهنگی استادان به منظور فراهم آوردن محیطی سالم و آزاد و مطمئن برای‌بحث و گفتگو و ارتقای اندیشه دینی و ایفای نقش مؤثر آنان.

7ـ نظارت و ارزیابی مستمر علمی، اخلاقی و اجتماعی اعضای هیأت علمی .

2ـ دانشجو

1ـ ارتقای سطح بینش اسلامی و اعتقادی دانش‌آموزان برای ورود به آموزش عالی با توجه به پیوستگی و تلازم میان ‌نظام آموزش عالی با نظام آموزش و پرورش .

2ـ گسترش و تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس و اعتلای عقلانی و علمی دانشجویان .

3ـ تقویت روحیه آرمان گرایی، کمال جویی، نقادی، آزادگی، ایثارگری، مشارکت جویی، حقیقت جویی و تشویق و‌تقویت احساس مسئولیت اجتماعی دانشجویان .

4ـ ارتقای سطح دانش و بینش سیاسی و اجتماعی دانشجویان و تجهیز آنان با تواناییها و قابلیتهای مورد نیاز برای ‌تحلیل مسائل جامعه و جهان در جهت تحقق آرمانهای اسلامی.

5ـ تشویق و زمینه سازی به منظور مادام العمر تلقی کردن تحصیل علم به عنوان یک ارزش و فریضه اسلامی .

6ـ قانونمند کردن فعالیتهای فرهنگی و سیاسی دانشجویان به منظور فراهم آوردن محیطی سالم و آزاد و مطمئن‌برای بحث و گفتگو و تحرکت و فعالیت و ارتقای اندیشه دینی .

7ـ حل مشکلات اجتماعی و معیشتی دانشجویان به منظور فراهم آوردن بستر لازم برای فعالیتهای علمی، فرهنگی‌و دینی آنان .

8ـ نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر علمی و اختلاقی دانشجویان و توصیه و تأکید بر خود ارزیابی آنها.

3ـ نظام برنامه ریزی فرهنگی

1ـ احیا و حفظ و ترویج فرهنگ اصیل اسلام در محیطهای علمی با استفاده از روشهای کارآمد و هماهنگ با شئون‌محیطهای علمی .

2ـ توجه به مبانی اسلامی در تدوین نظام برنامه ریزی فرهنگی به منظور تحقق آرمانها و ارزشهای انقلاب اسلامی.

3ـ توجه و تأکید بر توأم بودن نظام برنامه ریزی فرهنگی با نظام برنامه ریزی درسی، آموزشی، پژوهشی و مدیریت .

4ـ توجه به ملازمات و پیوستگی نظام آموزش و پرورش با نظام آموزش عالی در برنامه ریزهای فرهنگی .

5ـ زمینه سازی به منظور ایجاد توانایی بحث و گفتگو و نقد و ارزیابی سایر فرهنگها و تمدنها.

6ـ توجه به مقتضیات زمان و نیازها و علائق و رشته‌های تحصیلی دانشجویان در برنامه ریزی‌های فرهنگی و ارائه‌چهره‌ای متین و جذاب از آرمانها و ارزشهای اسلامی .

7ـ رعایت ویژگیهای معماری اسلامی و ملی در طراحی فضاهای کالبدی دانشگاه .

8ـ توجه و اهتمام ویژه به احداث مساجد و نمازخانه‌ها در مراکز آموزشی و اختصاص امکانات و تسهیلات در خور‌شأن به آن .

9ـ توجه به حفظ عفاف در مراکز آموزشی به ویژه روابط بین دانشجویان دختر و پسر و تلاش در جهت فراهم کردن‌ زمینه‌های مناسب برای این منظور از قبیل تفکیک کلاسهای دختران و پسران و کاهش اختلاط آنها.

10ـ هماهنگی در سیاستگذاری فرهنگی مراکز علمی با رعایت مقتضیات اجرایی.

11ـ نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر برنامه ریزی فرهنگی .

4ـ متون و برنامه ریزی درسی

1ـ طراحی نظام آموزشی، تدوین متون و برنامه‌های درسی در تمامی شاخه‌های علوم براساس جهان بینی الهی و‌پژوهش در پدیده‌های هستی به منظور شناخت و شناساندن آیات الهی در جهان.

2ـ توجه به هماهنگی و همسویی علم و دین در طراحی و تدوین برنامه‌ها و متون درسی .

3ـ بازنگری نظام برنامه ریزی درسی و اصلاح و تدوین متون درسی با استفاده از روشهای نوین و کارآمد علمی و‌مفاهیم و ارزشهای اسلامی .

4ـ طراحی و تدوین متون و برنامه‌های درسی براساس مبانی اسلامی به ویژه در رشته‌های علوم انسانی.

5ـ هدایت نظام برنامه ریزی درسی به سمت تقویت فضایل اخلاقی و اجتماعی، پرورش قدرت ابداع و ابتکار و‌اعتماد به نفس و ایجاد باور به مبانی دینی و التزام به مسئولیتهای اجتماعی.

6ـ توجه و تأکید بر هماهنگی و تناسب متون اخلاق و معارف اسلامی با نیازهای جدید و رشته‌های تحصیلی.

7ـ بازشناسی و معرفی مواریث و مفاخر علمی، فرهنگی، تاریخی و معاصر و بهره‌گیری از آنها در تدوین برنامه‌ها و‌متون درسی برای تقویت روحیه خود باوری و استقلال خواهی.

8ـ تدوین نظام جامع نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر متون و برنامه‌های آموزشی و درسی.

5ـ نظام برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی

1ـ اصلاح و تدوین نظام برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی با توجه به نیازهای جامعه و تحولات روزافزون علوم، با‌تأکید بر گسترش مرزهای دانش و براساس مبانی اسلامی.

2ـ توجه ویژه به اهمیت رشته‌های علوم انسانی در تربیت و انسان سازی و تأثیرات مثبت و منفی آنها در تحولات‌فرهنگی با عنایت به وجود قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فراوان در کشور .

3ـ ایجاد هماهنگی و تناسب بین نظام آموزشی و پژوهشی آموزش و پرورش و آموزش عالی با توجه به ملازمت و‌پیوستگی آنها.

4ـ افزایش انعطاف پذیری به منظور پاسخگویی به نیازها و تحولات علمی و اجتماعی.

5ـ بهره ‌گیری از تجارب علمی در سطوح مالی و بین المللی به ویژه تجارب حوزه‌های علوم دینی .

6ـ توجه به هماهنگی و همسویی علم و دین در بینش اسلامی در طراحی و تدوین برنامه‌های آموزشی و پژوهشی .

7ـ تقویت روحیه تحقیق و تتبع، آموزش تفکر منتقدانه، استفاده از فن آوریهای نوین آموزشی و ارائه الگوهای جدید‌به منظور ایجاد تحول و اصلاح در روشهای تدریس و پژوهش.

8ـ برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی براساس پژوهشهای علمی و ایجاد تعادل و تناسب میان آموزش و پژوهش در‌برنامه‌ها و متون.

9ـ نظارت و ارزیابی هدفمند برنامه ریزی آموزشی و پژوهشی .

6ـ مدیریت

1ـ توجه و تأکید بر تقویت ارزشهای اسلامی و انقلابی، تعهد اجتماعی، زمان شناسی، قانونمندی، تفاهم و احتراز از‌خود محوری در طراحی و هدایت نظام مدیریتی .

2ـ اصلاح و طراحی نظام جامع و هماهنگ مدیریت براساس ایجاد تعادل در فعالیتهای آموزشی، پژوهشی و‌اجتماعی با توجه به تأکید بر حذف مراکز موازی تصمیم‌گیری، رایزنی و مشورت با مسئولان و دست اندرکاران و ‌جلب مشارکت دانشگاهیان.

3ـ اعتماد به مدیران و ایجاد زمینه‌های ضروری استقلال عمل در حوزه‌های مدیریتی برای افزایش توان رقابت سالم ‌و رشد پیشرفت.

4ـ تربیت و انتخاب مدیرانی متعهد و متخصص با تأکید بر شایسته سالاری.

5ـ توجه به نقش الگوی استادان در رفتار سازی دانشجویان و الگو سازی براساس آن نقش از طریق شناسایی و‌معرفی و تشویق مدیران، استادان، دانشجویان و کارمندان شایسته براساس شاخصه‌های مدیریت در نظام اسلامی.

6ـ تقویت زمینه‌های نظری و عملی برای اصلاح مداوم روشهای مدیریتی و افزایش کارآمدی آنها به منظور تحقق‌ارزشهای اسلامی و معیارهای انقلابی.

7ـ نظارت و ارزیابی هدفمند و مستمر به منظور تقویت ابعاد علمی و اسلامی مدیریت مراکز آموزشی و علمی .

‌خاتمه

‌رعایت اصول حاکم بر دانشگاهها و سیاستهای راهبردی مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها، آثار و نتایجی را به بار می‌آورد‌که به صورت شاخصهایی قابل بررسی و اندازه‌گیری است. مهمترین شاخصهای مربوط به اصول و سیاستهای‌عمومی دانشگاهها عبارت است از :

1ـ افزایش سهم کشور در ابداعات و اختراعات و اکتشافات علمی .

2ـ کاهش وابستگی کشور به بیگانگان به ویژه در زمینه علوم و صنایع و فن آوری.

3ـ ارتقای سطح فرهنگی عمومی جامع و افزایش التزام علمی به مقررات و قوانین .

4ـ گسترش زمینه‌های بحث و گفتگوی سازنده و آمادگی برای پذیرش آرای صحیح دیگران .

5ـ افزایش دانش آموختگان متعهد، متقی، فاضل، شجاع و حساس به سرنوشت کشور.

‌همچنین رعایت اصول و ارزشهای اسلامی در سیاستهای مربوط به مؤلفه‌های مختلف دانشگاهها و سایر مراکز‌آموزشی نتایجی را به بار می‌آورد که به صورت شاخصهایی قابل بررسی و اندازه‌گیری می‌توان ارائه کرد و مهمترین‌آنها از این قرار است:

1ـ افزایش باور عمومی نسبت به عقاید اسلامی و اعتلای روح معنویت و مکارم و فضائل اخلاقی .

2ـ افزایش میزان تعهد علمی نسبت به احکام و ارزشهای اسلامی و آرمانهای انقلاب .

3ـ فراهم شدن زمینه‌های مشارکت هر چه بیشتر در انجام برنامه‌های دینی و اخلاقی .

4ـ بالا رفتن توان فکری و روحی برای دفاع مؤثر و معقول از دستاورهای انقلاب و مبارزه با تهاجم فرهنگی .

‌سیاستهای فوق در یک مقدمه و یک خاتمه و 6 فصل و 49 بند در جلسه 466 مورخ 1379/5/25 شورای عالی‌انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و از تاریخ تصویب این مصوبه، ابلاغیه شماره /955‌دش مورخه 1379/3/16‌ کان لم یکن می‌باشد.